

عجله کار شیطان است

از رسول خدا (ص) وارد شده است: "العجله من الشيطان"؛ "عجله کردن کار شیطان است".

در ادبیات فارسی هم این نکته آمده است: "عجله کار شیطان است".
مولوی می گوید:

مکر شیطان است تعجیل و شتاب
لطف رحمان است صبر و احتساب

البته منظور از عجله کردن در این روایات و ادبیات قضاوت زود و بدون تامل در موردی اظهار نظر کردن می باشد.

عکس العمل تند و بدون دلیل و مدرک در مورد یک یا چند نوشته عملی قابل قبول نمی تواند باشد. آیا ایرادی دارد که در نوشته های خود از خوانندگان بخواهیم برای نجات فوتبال و سپردن امور آن به دست افراد کار بلد صلوات بفرستند؟ کجای این درخواست می تواند جرم محسوب بشود؟ اگر می نوشتیم و خواهش می کردیم که کف بزنند و هورا بکشند و پایکوبی نمایند کار مناسب و خوبی انجام داده بودیم؟

چه کسانی از این که فضای وحدت، یک دلی و صمیمیت در فضای ورزش حاکم شود نگرانند و چرا به آن روی خوش نشان نمی دهند؟ این که برای تحقق این آرزو و هدف از مخاطبان خواسته شود صلوانی بفرستند جرمی اتفاق افتاده است؟ اگر خواسته می شد که برای توسعه و گسترش چند دستگی، تزویر، ریا و تقویت و پشتیبانی نقاب بر چهره ها کف بزنند فردی علاقه مند به ورزش و حامی آن محسوب می شدیم؟ اگر ادعا می کردیم شهردار اردبیل مدیری لایق و مورد اقبال مردم نبوده و نیست کار ما نقص نداشت؟ اگر به دنبال آن بودیم که ته مانده یکی از تیم های مورد علاقه جامعه فوتبال استان نابود شود و نام و یاد از شهرداری باقی نماند کار مناسبی کرده بودیم؟

کینه شتری را یکی از ویژگی های نویسنده این سطور به شمار آورده اند. ما را از هیچ کس و هیچ فردی کینه ای در دل نیست که از نوع شتری اش هم داشته باشیم. کینه شتری از آن کسانی است که می گویند مثلا تا رفتن فلانی و از تخت افتادن آن یکی باید کارها و اقدامات خوب را نیز بد دید. بیان مشکلات برخی از رشته ها از جمله فوتبال چه ربطی به کینه شتری دارد؟ گفته ایم که در فصل گذشته رقابت های لیگ یک باشگاه های استان برگزار نشده است، آیا حرف دروغی زده شده است که متهم به داشتن کینه شتری بشویم؟

ما را با افراد کاری نیست. قضاوت ما بر مبنای عملکردهاست. دو سال قبل در مورد فوتبال نوشتیم که در این رشته قبل از تغییر

افراد به تغییر افکار نیاز داریم . حال چرا ما باید به برخورداری از کینه شتری متهم شویم و آنهایی که مدام شعار فلانی باید برود و باید برود سر می دهند ادعای داشتن دلی صاف چون آئینه داشته باشند.

و اما این که نوشته های ما رونوشتی از یادداشت های دیگران است به خود ما مربوط است و به دیگران ارتباطی ندارد. مسلما اگر چنین ادعایی صحت داشته باشد صاحبان اصلی نوشته می توانند رسوایمان بکنند و دزدی ما را عیان سازند. گویا از این که کم و یا زیاد بنویسیم و هر روز هم این کار را انجام بدهیم برخی ها خیلی ناراحت می شوند. برای مقابله با این امر نیز دو راه بیشتر وجود ندارد یا قلم ما را بشکنند و یا هر وقت که دلخور شدند برای تسکین روح و روان یک لیوان آب سرد میل نمایند.

و اما در پایان به این نکته نیز باید اشاره شود که نزدیکان یکی از رؤسای هیات های ورزشی در محققی با شور و شغف بیان می کرده که چه خوب است رسانه ها را سرگرم دعوا با یکدیگر بکنیم تا فرصتی برای نقد عملکردها نداشته باشند. ما را با هیچ کس دشمنی نیست و هیچ کس را نیز رقیب خود نمی دانیم و به دنبال آگهی و رپرتاژ و ... هم نیستیم و به همه همکاران خود نیز احترام قائلیم و حفظ حرمت نشریات استانی و دست اندرکاران آنها را وظیفه تلقی می کنیم . برای نا امید کردن این آقایان در رسیدن به خواسته و آرزوهایشان اگر از امروز نشریات و مدیران گروهها و کانال های ورزشی در فضای مجازی ما را مورد محبت و عنایت خود قرار بدهند با جان و دل پذیرایشان بوده و از هر گونه عکس العمل و جواب دادن خودداری خواهیم کرد .

برای ناکام ماندن برخی از دست اندرکاران هیات های ورزشی جهت رسیدن به اهداف تفرقه آمیز "صلوات".